

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سید هاشم سدید

۰۸ اگست ۲۰۱۵

افزایش مصرف مواد مخدر و دولت های غیرمسئول دیروز و امروز!

تولید، قاچاق، فروش و مصرف مواد مخدر در کشور ما با تأسف، طوری که همه روزه در رسانه های جمعی دیده، شنیده و خوانده می شود، به گونه ای نگران کننده رو به افزایش است. دیدن مردان جوانان، نوجوانان و حتی زنان و کودکان، غالباً در زیر پل ها در دریا های خشک، در خرابه های متروک، جا های تنگ و تاریک و در گورستان ها دور از شهر و آبادی، با وضعیت رقتبار، با شکم گرسنه و لباس های کهنه و مندرس، رنگ و رخ پریده، چشمان بی فروغ، لبان خشک و ترکیده و ریش و موی چرک و ژولیده، گاهی دراز و اصلاح نشده، بعضی خوابیده بر روی زمین نمناک، در حالی که سنگ یا کفش های کهنه و رنگ و رو رفته خود را زیر سر گذاشته و پلاستیکی را به شکل خیمه بالای سر برافراشته اند، دل هر بیننده ای را، به استثنای سنگ دلانی که در قدرت هستند، چنان به درد می آورد، که بخواهی یا نخواهی قطره اشکی، هر قدر هم کوشش کنی که جلو ریختن آن را بگیری، از چشمان تان به روی گونه ها سرازیر می شود.

تا چهار دهه پیش کشت خشخاش عمدتاً به قدر ضرورت برای درمان برخی از بیماری ها، تنها در مناطق شمال شرق کشور، جایی که مردم نسبت به بی توجهی دولت وقت - شاهانی غیرمسئول، مانند ظاهر خان - به کلینک و داکتر و دارو و بیمارستان دسترسی نداشتند، مروج بود.

هروئین و مورفین و کوکائین و "نین" های دیگر را کسی نمی شناخت. از خشخاش تریاک می ساختند و آن را در عصری که مردم به مهتاب پیاده می شدند، برای تسکین درد، مانند مردمان "سومر" در پنج - شش هزار سال پیش، به کار می بستند. همین استفاده محدود، زمانی که استمرار می یافت، به عادت تبدیل می شد. از همین رو برخی از مردمان آن نواحی به مصرف دائمی آن عادت نموده بودند، اما این عادت هیچ گاهی چنان که امروز مبتلایان به انواع پیشرفته فرآورده های خشخاش، به بیچارگی افتاده و مستمند و مستأصل شده اند، آن ها را گرفتار تیره بختی، درماندگی، بی عاری و بی سامانی نه ساخته بود.

رواج سرتاسری این پدیده منحوس از زمانی آغاز شد، که امریکائیان برای شکست نیرو های نظامی مهاجم روسی در افغانستان - برای پیشبرد اهداف سیاسی و نظامی و جهان خوارانه خویش - تصمیم گرفتند آن ها را به مواد مخدر معتاد بسازند.

با این قصد، امریکائیان، به اصطلاح مجاهدین را ترغیب کردند، تا در مناطق تحت نفوذ خویش به کشت گسترده خشکاش و تبدیل آن به تریاک و هروئین و... و توزیع آن در میان عساکر روسی اقدام کنند. مجاهدین هم بدون اندیشه به پی آمد های مخرب و زیان آور این عمل در درون کشور، این خواسته امریکائیان را با بی مسؤلیتی به منصفه اجراء گذاشتند.

این تاکتیک در جنگ علیه روس تا حدودی که پیش بینی شده بود، مؤثریت خویش را نشان داد، اما تولید کنندگان و قاچاقبران مواد مخدر که از قیمت گزاف مواد مخدر در کشور ایران و سایر کشور های جهان به خوبی اطلاع داشتند، ضمن در اختیار گذاشتن قسمتی از تولیدات خود به عساکر روس، قسمت دیگر آن را به ایران و به بازارهای جهانی قاچاق کردند و قسمتی را هم برای مصرف در داخل کشور به فروش رساندند.

تداوم این عمل غیر انسانی در درون کشور، که تنها برای به دست آوردن سود سرشار صورت می گرفت، بالاخره بعد از تقریباً چهار دهه به جایی رسید، که امروز خطر جدی را متوجه نظام اجتماعی کشور ساخته است. هزاران خانواده، که فرزندان شان به این مرض مهلک گرفتار شده اند، علاوه بر تحمل فشار های غیر ضروری اقتصادی، شب و روز را در اندوه و ماتم می گذرانند؛ و کسی هم نیست که به نام دولت مسؤول به کمک آن ها بشتابد.

رواج هدفمندانه و بی رویه مواد مخدر در کشور، بدون شک و بی آن که گفته شود، امری است بی نهایت پریشان کننده. رواج این عارضه نامیمون و کشنده، که هیچ سابقه ای بدین شکل در کشور ما نداشته است، رنجی است برای همه، ولی رنج آزار دهنده تر از این، آن است که سوگمندان دولتی نداریم، که بدبختی این همه انسان را، به مثابه یک دولت مسؤول و ملی و دلسوز جدی بگیرد؛ و در برابر این آفت اجتماعی تصامیمی مؤثر و لازم اتخاذ کند.

اساساً چنین انتظاری، از دولتی که دست نشانده کشوری باشد، که بنا به نوشته برخی از محققین خود آن کشور، از سالیان دراز، از زمانی که در جنوب شرق آسیا حضور نظامی برجسته ای داشته، به انتقال مواد مخدر به وسیله هواپیما های نظامی خویش می پرداخته و در قاچاق و تجارت آن دست داشته است، چیزی است بسیار ابلهانه!

چگونه ممکن خواهد بود دولتی که از خود هیچ قدرتی ندارد، علیه تصمیم و اراده حامی و مجبر یا مدافع و فریادرس خود، که مشوق تولید و قاچاق و قاچاقبران، و دست اندرکاران خرید و فروش این ماده هالک و قتال، ولی سودآور است، دست به مبارزه بزند؟

قصد دولت، بنا به خواسته امریکائیان آشفته ساختن کشور است؛ و آشفته گی در یک کشور تنها از راه گسیل تروریست، ایجاد نفاق و شقاق میان مردم، ترویج فساد مالی و اداری، ایجاد دشمنی و جنگ، سست ساختن بنیان ارزش های اخلاقی و اجتماعی و... صورت نمی پذیرد. تخدیر روان و افکار مردم، رواج کاهلی، تن پروری، بی هوشی، کندی حواس، خارج شدن از روند کار، خارج شدن از قطار نیرو های فعال جامعه، بی تفاوتی در برابر زندگی و نام و نشان و آزادی و استقلال و کشور و... نیز راهی است برای آفرینش آشفته گی و به تحلیل بردن و نابود کردن نیروهای ملی و سازنده یک کشور.

قبول این فرضیه که دولت فعلی افغانستان از آسیب جدی اعتیاد بی خبر است، بی حد کودکانه خواهد بود. دولت دست نشانده بدون هدایت حامی که او را به قدرت رسانده هیچ کاری را به شکل جدی روی دست نمی گیرد، و الا چنین امر مهم، نگران کننده و خطیری، و مبارزه با آن چطور نمی تواند جزئی از برنامه واقعاً جدی آن قرار نگیرد؟! قال و قیل دولت در این رابطه همه از روی ریاء، و نمایشی است!

دولت امریکا هم، اگر واقعاً در فکر مبارزه با مواد مخدر در امریکا، در افغانستان و در جهان می بود، چرا تا حال در از بین بردن آن به شکل جدی اقدام نکرده است! تصور این مطلب که دولت امریکا در امر مهار کردن تولید و تجارت این پدیده شوم و مهلک، یا امحای کامل آن در سطح جهان ناتوان است، برای هیچ انسانی قابل پذیرش نیست.

نیمه دولت موجود در افغانستان، اگر واقعاً قصد مبارزه با تولید و خرید و فروش و مصرف مواد مخدر در داخل کشور و قاچاق آن به خارج را می داشت، باید تا حال آثار کار جدی در این راستا از سوی آن دیده می شد.

در گذشته های دور، شاید یک مدیریت عمومی یا فوکش یک ریاست در تشکیلات وزارت داخله به نام مدیریت عمومی یا ریاست مبارزه با مواد مخدر داشتیم. امروز، از زمان کرسی تا امروز، وزارتی داریم به نام وزارت مبارزه با مواد مخدر. طالب که قصد جدی مبارزه با این پدیده و بیماری را داشت، با یک "چوبک" موفق شد آن را در سر تا سر کشور از بین ببرد. آیا قبول این حرف منطقی است، که طالب با یک "خمچه" تولید و توزیع مواد مخدر را در کشور از بین ببرد، ولی دولت موجود با سه صد و پنجاه هزار قوای نظامی و انتظامی خویش، همراه با حمایت جهانی، نتواند به محو مواد مخدر و نجات مبتلایان از چنگال آن دست یابد؟؟

از دولت موجود نمی توان انتظاری داشت، اما اگر دولتی می داشتیم، که واقعاً در فکر مردم می بود، بدون شک تصامیمی در این زمینه می گرفت، که شامل اقدامات ذیل می بود:

- ۱- مبارزه بی امان و قطعی و جدی - نه نمایشی - برای جلوگیری کشت و تولید خشخاش در تمام کشور.
- ۲- مبارزه بی امان و قطعی و جدی علیه فروش و خرید مواد مخدر در داخل کشور و قاچاق آن به خارج؛ هم چنان با قاچاقبران آن.
- ۳- کمک به معتادان برای ترک تدریجی اعتیاد در مراکز درمانی دولتی. ترک تدریجی؛ یعنی تجویز موقتی برخی دارو ها عوض هیروئین و...، تا بهبودی کامل بیمار و قطع داروی جانشین، تحت نظارت مسؤلین طبی مراکز درمانی، در زمان مناسب؛ و تدوین برنامه سودمند غذایی غرض اعاده سلامتی کامل بیماران.
- ۴- آموزش مردم از طریق برنامه های رادیویی و تلویزیونی وسیع الانتشار و مستمر برای پیشگیری از ابتلا به این آفت.
- ۵- توجه و رسیدگی مشابه به زندانیان معتاد.
- ۶- ایجاد اشتغال برای معتادان بهبود یافته. و ایجاد زمینه درس و تحصیل برای نوجوانان و جوانان.
- ۷- نظارت و کمک به آن ها تا اطمینان کامل، حتی بعد از آن که چنین بیماران بهبود می یابند و صاحب شغل و درآمدی می شوند و به آغوش خانواده های خود بر می گردند.
- ۸- رفع هر گونه مانع، و تسهیل ازدواج جوانان.
- ۹- آشنائی بیماران، حین مراقبت های طبی به ارزش های اخلاقی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی، و مسؤولیت های ایشان در برابر خانواده و اجتماع و کشور.
- ۱۰- سهم گیری داوطلبانه بیماران بهبود یافته با مسؤلین مراکز درمانی، غرض تشویق بیشتر بیماران تحت مداوا، و سرمشق قرار گرفتن برای آن ها به منظور ترک سریع تر و قاطعانه تر اعتیاد.
- ۱۱- آشنائی آن ها با زیان های اقتصادی ابتلا به مواد مخدر.
- ۱۲- توضیح رنج هائی که خانواده ها، دوستان، اقارب، خویشاوندان و هم وطنان شان از این ناحیه می برند.
- ۱۳- حمایت بیشتر زنان و کودکان.

اما کجاست آن حکومت و دولتی که به چنین مسائل فکر می کند؛ خود را در برابر مردم مکلف و مسؤل می داند و رنج مردم را رنج خود می خواند؟

از دولت موجود و دولت های آینده، اگر سیاستمداران موجود در رأس، یا شریک در آن ها باشند، که چنین انتظاری دور از تصور است.

چطور است، اگر لحظه ای به حکومتی فکر کنیم، که به فکر مردم هستند و به مردمی که به داشتن چنین حکومتی می

اندیشند؟؟؟

۲۰۱۵/۰۸/۰۶